

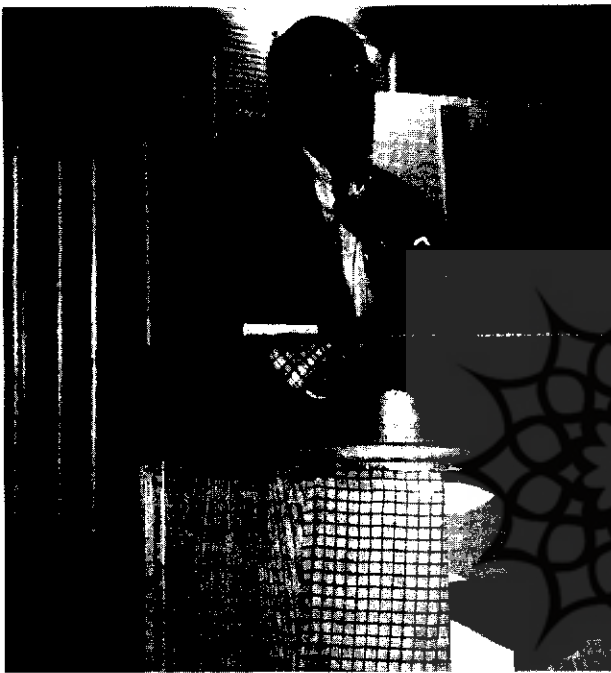
# حضور صمیمانه وزیر آموزش و پرورش در سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان

جناب آقای مهندس محمود فرشیدی، وزیر محترم آموزش و پرورش، در تاریخ ۸۵/۹/۶ در جمع همکاران شاغل در سازمان مرکزی انجمن اولیا و مربیان حضور یافتند و پس از استماع نظریات و پیشنهادهای چند تن از همکاران، به ایراد سخن پرداختند. آن چه در پی می آید، برگرفته از بیانات ایشان است.

بسم الله الرحمن الرحيم

از این که خداوند به من توفیق داد تا در هفته بسیج در جمع دوستان عزیز و خواهران و برادران ارزشمند و فرهیخته انجمن اولیا و مربیان حضور پیدا کنم، بسیار خوشحالم. من وظیفه خود می دانم که از شاخه های مختلف معاونت بازدیدهایی داشته باشم و حضور مستقیم در آن ها پیدا کنم و این کار را از انجمن اولیا و مربیان آغاز کرده ام، زیرا این سازمان از اهمیتی خاص در جهت اعتلای تعلیم و تربیت در کشور برخوردار است. من در همین جا از همه خواهران و برادرانی که به سهم خود و به عنوان همکاران آموزش و پرورش، در انجمن اولیا و مربیان صمیمانه و صادقانه تلاش می کنند، قدردانی می کنم و همان طور که در جلسه ای در خدمت مدیران سازمان عرض کردم، امیدواریم ما هم به سهم خود بتوانیم گامی برداریم تا انجمن اولیا و مربیان جایگاه واقعی خود را بیابد.

اعتقاد قلبی من این است که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مردم سالار است و بی هیچ تردید و شائبه، نظام مردم سالاری دینی ما متکی بر مردم است. این یک شعار نیست، بلکه باوری است که ریشه در اعتقادات ما دارد. به هر صورت ما الگوی جمهوری اسلامی را برای حاکمیت بخشیدن به ارزش های اسلامی پذیرفته ایم و این الگو نیز کارآمدی خویش را بیش از گذشته، به مردم ایران، بلکه به مردم جهان نشان می دهد. اگر در کشورهای غربی که مدعی دموکراسی و مردم



سالاری اند، راه هایی برای حضور مردم در نظر می گیرند، این راه ها، از جمله احزاب، راه های محدود و قالبی اند. به بیان دیگر، مردم حق دارند دموکرات باشند یا جمهوری خواه، اما حق ندارند به رئیس جمهوری رأی بدهند که ضد صهیونیسم است و ممکن است در ارتباط با حقانیت ایران سوالی برایش ایجاد شود. اما در نظام مردم سالاری دینی ما این محدودیت ها وجود ندارد و توده مردم، منتها با انگیزه و عشق اسلامی و علوی خودشان می توانند حضور داشته باشند (به تعبیر یکی از بزرگان، پوپولیزم علوی). یکی از بارزترین و بلکه شاخص ترین جلوه های این حضور و حرکت را می توانید در بسیج مشاهده کنید. همه می توانند در بسیج حضور داشته باشند و در هنگام ضرورت، در عرصه های مختلف نظامی و سازندگی فعالیت کنند. به هر صورت این یک اعتقاد است و ما هم تجربه کرده ایم که هرگاه مشکلی برای مملکت ما پیش آمده تنها با کمک مردم توانسته ایم آن را حل کنیم. بدیهی است کشوری

که نمی‌خواهد به بیگانه تکیه کند، اگر می‌خواهد استقلالش را حفظ نماید، راهی جز این ندارد که به مردم مسلمان خود تکیه کند؛ و تا به حال این تجربه ما موفق بوده است. از این رو، امروز نیز می‌توان از این تجربه موفق برای حل مشکلات آموزش و پرورش استفاده کرد. به این معنی که درهای آموزش و پرورش را به روی مردم باز کنیم و نگاهمان به مردم، نگاهی قیّم مآبانه نباشد. آموزش و پرورش، مردمی‌ترین نهاد دولت جمهوری اسلامی است و ارتباطی تنگاتنگ با مردم دارد. لذا باید ساختار آن را به گونه‌ای طراحی کنیم که از رایحه خوش حضور مردم بهره‌مند شویم و این به عقیده من یک راه نجات است. ما به کمک مردم می‌توانیم مشکلات کلان آموزش و پرورش را حل کنیم و برای این کار باید انحصارها را بشکنیم. به عنوان نمونه نوشتن کتاب درسی در انحصار کسی نیست، بلکه یک میدان رقابت است تا همه همکاران در آن شرکت کنند و کتاب بنویسند. طبیعی است کتاب یا کتاب‌هایی که رساتر باشند انتخاب می‌شوند. بنابراین، یکی از سیاست‌های ما شکستن انحصارها و فراهم کردن زمینه برای حفظ ارزش‌های تعلیم و تربیت است و همه می‌توانند در این راه به ما کمک کنند. انجمن نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و باید خود را برای این حرکت آماده کند. البته قالب و ساختار فعلی انجمن قالب تنگی است، ولی من معتقدم که درگیر شدن با ساختار، کار دشواری است و ما باید کار را در همین قالب تنگ انجام دهیم تا وقتی که واقعاً احساس کنیم زمان آن فرا رسیده است و باید قالب و ساختار مناسب‌تری طراحی کنیم. به هر صورت رابطه میان انجمن و مدارس، رابطه‌ای دو طرفه است. یعنی اگر برخی از دوستان معتقدند که مدیران مدارس انجمن را جدی نمی‌گیرند، از زاویه دیگری هم می‌توان به این موضوع نگریست. به عنوان مثال، اگر بخش‌نامه‌ای که من و شما می‌نویسیم، برای مدیران خاصیتی نداشته باشد، یا لااقل روزآمد نباشد، مشکلات روز مدیران را بر طرف ننکند، کاربردی نباشد، کلیاتی باشد که در عین درست بودن، مصادیق آن مشخص نباشد و... عکس‌العمل مدیران این خواهد بود که این بخش‌نامه‌ها فانتزی است، برای تهران است، ویژه مدارس است که مشکل ندارند و... البته قبول داریم که آگاهی بخشی به مدیران بسیار ضرورت دارد و حضور من در میان شما نیز از همین مقوله است تا مدیران ما احساس کنند که انجمن اولیا و مربیان جایگاهی والا دارد.

مردم انگیزه حضور در مدرسه را دارند، چرا که سرمایه‌های اصلی خود، یعنی فرزندان‌شان را در اختیار ما گذارده‌اند. آن‌ها دل

در گرو مدرسه دارند؛ اما اگر این حضور قیّم مآبانه و یک طرفه باشد، به جایی نمی‌رسد. اگر نگاه ما یا مدیران مدارس این باشد که صرفاً از کمک‌های مالی والدین استفاده کنیم و از پیش نهادها و توانمندی‌های تخصصی آنان هیچ‌گونه بهره‌ای نبریم، در کار خود موفق نخواهیم شد. ما باید در مقابل کمک‌های مالی والدین آنان را تکریم و تعزیز کنیم. در معارف اسلامی ما توصیه شده است که حتی از کسانی که خمس و وجوهات شرعی خود را می‌پردازند، تشکر کنید. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می‌فرماید که کسانی که خمس و وجوهات را می‌دهند درود بفرستید و از آن‌ها تشکر کنید. این کار باعث آرامش خاطر آنان می‌شود.

نکته دیگر این است که در اسلام، وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان بر عهده پدر و مادر است. حال دولت‌ها بی‌واسطه ما را وکیل گرفته‌اند و ما وکیل مردم هستیم. اگر خانواده‌ای نخواهد فرزندانش را به مدرسه بفرستد و خودش آموزش و تربیت آنان را بر عهده بگیرد، هیچ مشکلی نیست و پسندیده است. خیلی از خانواده‌های اسلامی نظام تربیتی دارند که با نظام مدرسه ما بعضاً در تعارض است. ما باید به نظر آنان احترام بگذاریم و سهمی هم برای آن‌ها قائل شویم. هم چنین اگر والدین در ارتباط با مسائل آموزشی توصیه‌ای کردند، باید با حفظ کرامت در مورد آن تأمل کنیم تا مردم احساس تعزیز و تکریم داشته باشند. در غیر این صورت، راه به جایی نمی‌بریم.

ما این جمله را از امام و مقام معظم رهبری ترویج کرده‌ایم که مدارس بدون کمک مردم نمی‌تواند اداره شود. بنده هم به عنوان کوچک‌ترین خدمتگزار آموزش و پرورش معتقدم که اگر مردم کمک نکنند، مدارس ارتقا پیدا نمی‌کنند. اما در زمینه مالی، اگر مدیر مجبور باشد از مردم پول بگیرد، این کار در موقع ثبت‌نام نباید صورت بپذیرد. به عبارت دیگر، گروکشی و شهریه گرفتن در وقت ثبت‌نام ممنوع است و قانون نیز همین را می‌گوید. اما پس از فصل ثبت‌نام و آن هم به تدریج و پس از فرهنگ‌سازی، بلامانع است و هر کسی می‌تواند در حد توان خود به مدرسه فرزندش کمک مالی کند و اجباری هم از سوی مدیریت مدرسه وجود ندارد.

در حال حاضر، معاونت نوسازی و تجهیز مدارس، در سال بالغ بر ۳۰۰ میلیارد تومان (به اندازه یک ماه حقوق کارمندان آموزش و پرورش) از عده خاصی از اولیا (از حدود ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر) کمک مالی دریافت می‌کند و این کار با افتخار و خاطری آسوده صورت می‌گیرد. برخی از این افراد مایل‌اند همه هستی‌شان را برای مدرسه‌سازی صرف کنند و فقط از ما تعهد گرفته‌اند که تا آخر عمر



حضور دارد و هم در خط مقدم و صفا؛ و این نکته اهمیت بسیار دارد. ما گفته‌ایم که هر مدرسه یک وزارتخانه است و هر دبیر یک وزیر محسوب می‌شود. در این جا باید اضافه کنیم که حضور تعیین کننده انجمن اولیا و مربیان در مدرسه نیز از معیارهای مهم است، مشروط بر آن که پاسخگوی نیازها باشد. به عنوان مثال، اگر در کتاب‌هایی که توسط انجمن منتشر می‌شود، در نشریه پیوند، در بخش نامه‌ها و... پاسخ‌گوی نیازهای روزمره مردم باشیم، این فعالیت‌ها مفید خواهد بود و به طور قطع بدانید چیزی که برای مردم خاصیت داشته باشد ماندگار خواهد شد. در قرآن کریم نیز به این نکته اشاره شده است.

همان‌طور که در تعریف واژه «مدرسه زندگی» گفتیم، یکی از نیازهای ما این است که فرزندان را به طور جامع با تعلیم و تربیت اسلامی آشنا کنیم. تعلیم و تربیت اسلامی، نه به این معنا که فرزندان فقط نماز خوان بشود، که این هم مطلوب ماست، بلکه می‌خواهیم فرزندان ابوعلی سینا بشود، خلاقیت ذهنی داشته باشد و از نظر ورزشی، فرهنگی، اجتماعی، رعایت آداب اجتماعی و احترام گزاردن به پدر و مادر و در تمام ابعادی که خداوند متعال برای یک انسان رشد یافته و متعالی تعیین فرموده است، تربیت یافته باشد. ما می‌خواهیم دانش‌آموزان ما بر طبق مصوبات

آن‌ها مانند شورای نسیم و رفیق سخن و ابرو مندانه حفظ نماییم؛ آن‌ها به قداست این راه اعتقاد دارند، به شرط آن که ما ظرفیت پدیدآیی این فرهنگ را داشته باشیم. تلویزیون با تک‌تک این افراد، به عنوان قهرمانان مدرسه‌سازی مصاحبه می‌کند و کتاب و نشریه در ارتباط با ایشان چاپ می‌شود. حال ببینید کار فرهنگی شما چه عقبه‌ای دارد و چند سال طول کشیده تا امروز به ثمر رسیده است.

در بعضی از مدارس اسلامی که در حال حاضر، شاید بتوان آن‌ها را با مدارس غیرانتفاعی یکی دانست یا شاید هم این گونه نباشد، اولیا برای کمک به مدرسه فرزندان با سر می‌دوند و هر قدر هم پول می‌دهند می‌گویند حلالشان باشد، زیرا از نحوه تربیت فرزندان در مدارس مذکور احساس رضایت می‌کنند. این گونه والدین خاصیت مدرسه را احساس کرده‌اند و در عین حال از تکریم و احترام نیز برخوردارند.

عرض من این است که باید راهکارهای جذب اولیا را کشف کنیم و انجمن اولیا و مربیان در این زمینه مسئولیت بزرگی بر عهده دارد و باید به ماکمک کند. انجمن یکی از دالان‌ها و دریچه‌هایی است که امکان به مشام رسیدن رایحه خوش حضور مردم در آموزش و پرورش را فراهم می‌سازد. اگر نگوییم انجمن اولیا و مربیان مهم‌ترین نهاد است، اما از مهم‌ترین‌هاست، زیرا هم در ستاد



شورای عالی آموزش و پرورش، که سال‌ها پیش در ارتباط با اهداف مقاطع مختلف تحصیلی و در هشت سر فصل تنظیم شده است، تربیت شوند. اگر ما بخواهیم در این عرصه‌ها وارد شویم، اولیا باید به ما کمک کنند. اگر ما به واقع پاسخ‌گوی نیازهای روز خانواده‌ها باشیم، انجمن جایگاه خودش را پیدا می‌کند. اولیا می‌توانند در عرصه آموزش آداب اجتماعی، از جمله رعایت مسائل امنیتی و اخلاقی در سرویس مدارس، آداب غذا خوردن، نحوه سخن گفتن با پدر و مادر و رعایت جایگاه آنان، تبیین جایگاه خانواده و قداست آن، و... در کنار مسئولان مدارس فعالیت کنند. زیرا اگر فرهنگ خودمان را به فرزندانمان منتقل نکنیم و فقط به آموزش فیزیک و شیمی اکتفا کنیم، دانش‌آموزانمان آمادگی آن را پیدا می‌کنند که جذب بیگانه شوند. از آن جا که ساختار اداری ما محدود است، می‌توانیم در این زمینه از خانواده‌ها کمک بگیریم.

امروزه دانش‌آموزان ما از کودکی به جوانی، بلکه به پیری می‌رسند و این پدیده در همه جوامع، از جمله جامعه ما به چشم می‌خورد. این آفت فرهنگ غرب است و هنوز در کشور ما فراگیر نشده، ولی یک بیماری و آفت به شمار می‌آید. دانشمندان غربی نیز به این پدیده عنایت داشته و یک نویسنده اسپانیایی هم به آن اشاره کرده است.

امروزه رسانه‌ها پیچیده‌ترین و تشنج‌آورترین مسائل را به نسل کودک و نوجوان منتقل می‌کنند. فضاهای کوچک زندگی امکان راه رفتن برای فرزندان را فراهم نمی‌کنند، چه برسد به دویدن و حرکت داشتن، زیرا همسایه‌ها تذکر می‌دهند. یکی از نهادهایی که می‌تواند با این مشکلات مقابله کند، مدرسه است. مدرسه می‌تواند با تکنیک‌های انجمن اولیا و مربیان محیطی پرنشاط برای کودک فراهم کند تا کودک کودکی کند و نوجوان، نوجوانی. اگر فرزند ما مراحل کودکی و نوجوانی را به طور کامل طی نکند، در چهل سالگی بچگی می‌کند و رشد صحیح تربیتی نخواهد داشت.

به طور کلی، ما باید متناسب با نیازهای روز نسخه بپیچیم. فرض بفرمایید اگر فیلم خوبی اکران شده است، انجمن اولیا و مربیان و آموزش و پرورش می‌توانند حضور فعال داشته باشند و تماشای آن را به مردم و خانواده‌ها توصیه کنند. هم چنین می‌توانیم مباحث روز را مطرح کنیم، نیازهای مبتلا به دانش‌آموزان را متناسب با شرایط روز بررسی کنیم و... ما الآن در کشمکش تربیتی با رسانه‌ها هستیم و گذشت آن زمان که بچه، بچه پدر و مادر بود. در حال حاضر بچه‌ها با سایت و اینترنت سروکار دارند. بنابراین در عرصه باید حضور داشته باشیم و اعلام نظر کنیم. باید

از پایگاه مقدس معلم و آموزش و پرورش استفاده کنیم و به دانش‌آموزان و خانواده‌ها، در عرصه‌های مختلف کمک فکری بدهیم. لذا ارتباط متقابل میان خانه و مدرسه می‌تواند آثار خوب و پربرکتی داشته باشد.

خانواده‌ها در زمینه ایمنی مدارس نیز می‌توانند به ما کمک کنند. به عنوان مثال می‌توانند بر سرویس رفت و آمد و سوار و پیاده شدن دانش‌آموزان نظارت داشته باشند و در تعمیر و نگهداری وسایل گرم‌کننده و دیگر تجهیزات مدرسه همکاری کنند تا شاهد حوادث ناگوار در مدارس نباشیم.

موضوع دیگر، فعال شدن مدرسه در ایام تعطیل است. حداقل می‌توان محیط مدرسه را در روز جمعه برای ورزش بچه‌ها آماده کرد. در شرایطی که بچه‌ها فضایی برای تفریح پیدا نمی‌کنند و خدای ناکرده ممکن است در معرض آسیب‌های مختلف قرار گیرند، چنین فکری تنها با کمک اولیا قابل اجراست، چرا که در مسئولیت آموزش و پرورش نیست که روز جمعه نیز مدرسه باز باشد و زیر نظر مدیر یا یکی از همکاران بچه‌ها بیایند و بازی کنند.

تخصص اولیا و به‌کارگیری آن برای کمک به مدرسه نیز بسیار مهم است. اگر یک پدر متخصص لباس کار به تن کند و مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان بیاموزد، گذشته از مسئله کار، آثار تربیتی بسیاری در بر خواهد داشت و علاقه دانش‌آموزان به مدرسه بیش‌تر از گذشته خواهد شد. استفاده از مادران دانش‌آموخته در رشته‌های مختلف نیز از جمله طرح‌هایی است که من به مجلس ارائه کرده‌ام. از اوقات فراغت این قبیل مادران می‌توان به نحو مطلوب در مدارس استفاده کرد.

در ارتباط با مسائل مالی انجمن اولیا و مربیان نیز نگاه ما، گاهی فعال است و نه منفعل. بنابراین باید راهکارهای قانونی را در این زمینه دنبال کرد و اگر در گذشته امکاناتی وجود داشته است، از آن‌ها بهره برد. هم چنین در مجوزها باید دست شما باز باشد. چرا که با اعتبار می‌توانید برنامه‌های خود را به پیش ببرید. بدون امکان مالی، طرح و برنامه عملی نمی‌شود.

مرا به تجربه معلوم شد در آخر عمر

که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

به عبارت دیگر، اگر بهترین فکر را داشته باشید ولی امکان ترویج آن در اختیار شما نباشد، کاری از پیش نخواهد رفت.